



ضیا

آینه آقای قیوم کرزی گم شده!!

محمدضیاضیا،

پیش از آنکه در باره (گم شدن آینه آقای قیوم کرزی) برادر حامد کرزی و نامزد احتمالی ریاست جمهوری افغانستان صحبتی داشته باشیم، بهتر است آنرا با چاشنی قصه واقعی (زن سرمعلم) تقدیم تان کنم:

روزی با مرحوم سید عبدالحکیم هاشمی سابق رئیس تعلیم و تربیه ولایت پروان در دفتر کارش نشسته بودم، یکتن از معلمان که برادرش از مدتها به حیث سرمعلم ایفای وظیفه میکرد، با یک ورق درخواستی داخل دفتر شد. رئیس در خواستی او را خواند، با تعجب پرسید؛ جناب معلم صاحب! میخواهید به زور سر معلم شوید؟

پس از گفت و شنود زیاد، معلم صاحب خود را به پاهای رئیس انداخت، با گریه وزاری تکرار میکرد: ...به اولاد هایم رحم کنید، اگر سرمعلم مقرر نشوم اولاد های خود را از دست میدهم...

دلیل از دست دادن اولادهایش این بود که خانمش او را تهدید کرده بود که: در محافل زنانه، زن برادر او را به عنوان (زن سرمعلم صاحب) بالا می نشانند و او را بیشتر قدر و عزت میکنند. اگر شوهر او نیز سرمعلم مقرر شود خوب، در غیر آن طلاق خود را میگیرد!!

اکنون، گرم جوشی های بازار انتخابات ریاست جمهوری در افغانستان به جایی کشیده که اگر در انتخابات سالهای قبل از یک ولایت یک نفر کاندید می شد، نفر دوم چشمش را حیا میگرفت و به همان یکنفر اکتفا می شد. لیکن درین دوره دیده درایی به حدی رسیده که از یک خانواده دوبرادر، خود را به این مقام کاندید کرده اند!! مثال واضح آن کاندید شدن آقایان حشمت غنی احمد زی و اشرف غنی احمد زی (دوبرادر) و اینک آقای قیوم کرزی برادر بزرگ آقای حامد کرزی است.

مردم افغانستان خوب میدانند که هیچ توجیه یا انگیزه دیگری برای کاندید شدن این مقام برای افراد وجود ندارد، مگر اینکه آقای کرزی طی دوازده سال در افغانستان صحنه (گل، گل میری) را به وجود آورده است. شاید خارجی هایی که در باره افغانستان آگاهی لازم ندارند چنین فکر کنند که در افغانستان آنقدر سطح دانش کشور داری انکشاف یافته که در هر خانواده یک نفر تادونفر خود را به ریاست جمهوری کاندیدید میکنند!! اما آگاهان چه در داخل و یا خارج از کشور به این نکته خوب پی برده اند که (گشنه های قبر جبار) به تازه گی مرز پولهای باد آورده، صلاحیت و قدرت را چشیده اند. بنابراین از امکان بعید نیست که قصه زن سر معلم نیز درین میان صادق نباشد.

میخواهیم این پرسش را با آقای قیوم کرزی مطرح بسازیم:

آیا هیچ متوجه شده اید که سران کشور های دارای رژیمهای انتخابی به نوعی، از نخبه گان کشور های شان به حساب می آیند که بیشترین آنها از آدرسهای قوی ترین و پر پشتوانه ترین کتله های حمایتی احزاب سیاسی به ظهور میرسند که نه تنها فهم و دانش آنها، بلکه سلوک، حرکات، سکانات، گذشته اجتماعی و بسا موارد دیگر زنده گی آنها مد نظر گرفته میشود. همچنان سعی همه جانبه صورت میگیرد که کاندیدها (لب و لهجه) ریاست جمهوری یک کشور را داشته باشند. از بصیرتی برخوردار باشند که گوشه های تاریک قضایای کشور شان را تحلیل و تجزیه کرده بتوانند. همچنان اگر با سران کشور های جهان و یا در برابر پرسشگران از افراد گرفته تا خبر نگاران، پارلمان و یا هر جای دیگر مقابل شوند چیزی برای گفتن و افاده کردن داشته باشند، تا باشد که آبروی خود و کشور شان را به زمین نریزند. حتی به همین آقای حامد کرزی نگاه کنید؛ بسیار اتفاق افتاده که در محافل و مجالس بسیار بزرگ و مهم چنان گپ های نامناسب، متناقض و دور از شأن یک رئیس جمهور از زبانش بیرون شده، که افراد بسیار عادی و روستایی را به خنده آورده است، چنانچه در یکی از صحبت هایش در مورد رشوت و اخاذی گفته بود: "... اگر رشوت می گیرید، کوشش کنید آنرا به کشور های خارجی انتقال ندهید، همان پول را در کشور خودتان به مصرف برسانید" همچنان ایراد نموده بودند که: "... اگر رشوت می گیرید، زیاد نگیرید. تا پنجهزار افغانی فرقی نمیکند، از آن بیشتر نگیرید". شکی وجود ندارد که چند سال بعد محققین این فرموده های آقای کرزی را در کتابها و یادداشتهای شان همطراز (افکار بزرگان) درج نمایند!! با وجود آنهمه نواقص حامد کرزی که تاوان آن به شانه مردم افغانستان برمیگردد، باز هم به تناسب قیوم کرزی، خانه اش آباد، از هوشیاری شیطان را جریمه میکند.

اما تو آقای قیوم کرزی گاهی به خود متوجه شده ای که نظر به گفته های خودت در برنامه (گفتگوی ویژه طلوع نیوز) خود را روستا بچه عادی معرفی کردی؟

سخن دیگر این بود که: فاکولته زراعت را (نیم کله) رها کردی و به پیلوتی روی آوردی. پیلوتی را هم (نیم کله) گذاشتی، به فلسفه و اقتصاد مراجعه کردی. و در فرجام به هونل داری و بیزنس تا آنکه خود و نور چشمی ها برادرانت از خیرات حامد کرزی، سهم در کابل بانک و در نتیجه افتضاح دزدی کابل بانک و پرداختن به شهرک سازی و دست به پترولیم آمو دریا و معادن افغانستان یافتید و قارون عصر شدید.

در جای دیگر گفتید: اگر رئیس جمهور شوید، توجه به از میان برداشتن اقتصاد مافیایی میکنید. راستش هر شنونده یی به این حرف تان می خندد و یا هم میگوید که آقای قیوم کرزی (یگان مزاح هم میکند). زیرا مجموعاً خانواده شما در نزد مردم افغانستان و جهان به خانواده(مافیایی) معروف است. چگونه میشود که اگر خدای نخواستہ رئیس جمهور شوید، شما تیشه به ریشه خود و خانواده محترم تان بزنید؟

فکر میشود، تا صنف دوازده به هر قسمی بوده به نقل یا هر چیز دیگر آنرا به انجام رساندید. اما در فاکولته زراعت شاید در نقل گیر آمدید و همچنان در رشته پیلوتی. میگویند عادتی که در طفلی نشست، به مرگ می براید. این بار نیز بدون توجه به اینکه (نقل ناکام مطلق است) حینیکه شما در برنامه طلوع نیوز، صحبت میکردید، از بخت ناساز شما، ملت و مردم نقل شمارا گیر کرد. یعنی در قسمت های اخیر برنامه شما پنهانی به ورق نقل نگاه میکردید و کمره مین نیز آگاهانه حرکات چشم و استفاده از نقل تان را به تصویر کشیده بود. آیا به شخصی که میخواهد رئیس جمهور شود لازم است که در برابر پرسش عادی(نه حسابی و ارقام) از روی پارچه نقل که در دست تان بود، شما جواب می گفتید؟

توصیه دلسوزانه هفته نامه (افق) به شما این است: ازین شوربای چرب بگذرید، نه خودتان را بی آب کنید و نه خدای نخواستہ مردم افغانستان را. در نهایت اگر توصیه های مارا در نظر نمی گیرید، لطفاً به حُکم (پیدا کردن آینه) یکبار دیگر از جانب ما ثبت صحبت های تان را از تلویزیون طلوع نیوز بشنوید و آنگاه تصمیم بگیرید که آیا همچو شخص برای کشوری چون افغانستان که سراسیمه گی های آن نه تنها مردم افغانستان، بلکه جهان را به حیرت گذاشته است، لیاقت ریاست جمهوری را دارد ؟

شما چه نظر دارید؟